

به یاد نوال السعداوی (۱۹۳۱-۲۰۲۱)

هایده مغیثی



Photograph: David Degner/Getty Images

در پی درگذشت نوال السعداوی، مصر و جهان عرب یکی از سرشناس‌ترین مدافعان حقوق زنان، عدالت و دموکراسی را از دست داد.

با نوال السعداوی در نیمه‌ی دهه‌ی ۸۰ میلادی که به دعوت برنامه‌ی مطالعات زنان دانشگاه کوینز برای سخنرانی به شهر کینگستون کانادا آمده بود آشنا شدم. پس از آن که به یکدیگر معرفی شدیم و او دانست من از ایران می‌آیم، نخستین جمله‌اش این بود: «عجب گولی خوردیم». اشاره‌اش به وقایع پس از انقلاب بود و پی‌آمد آن برای زنان. سعداوی سخنران پرشوری بود و از تناقضات در عدالت‌طلبی بعضی رهبران سیاسی و متفکران اسلامی در کشورهای افریقا و خاورمیانه سخن گفت که علیه سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی بیگانگان مبارزه می‌کنند اما تبعیض و تحقیر زنان در جوامع خود را عین عدالت می‌دانند و آن را پاسداری می‌کنند. جلسه با پرخاش تهدیدآمیز جمعی از شرکت‌کنندگان، از همان جوامع مورد اشاره‌ی سعداوی، به تشنج کشیده شد. اما با مداخله و حمایت دیگران پس از خاتمه‌ی جلسه، سعداوی به سلامت به هتل‌اش هدایت شد.

سعداوی البته با واکنش‌های خصمانه و تهدید و خطر بیگانه نبود. فعالیت‌های او علیه نظام پدرسالاری در مصر، در فرهنگ عرب و در جوامع با اکثریت مسلمان به‌طور کلی، و تلاش‌های مهم عملی او برای پایان دادن به مثله‌ی اندام جنسی زنان برای کنترل تمایلات جنسی آنان، و انتشار نخستین کتاب‌های پژوهشی‌اش، «زن و سکس» (۱۹۷۲)، و «چهره‌ی پنهان حوا: زنان در جهان عرب» (۱۹۷۷) (در فارسی، چهره‌ی عریان زن عرب، ترجمه‌ی مجید فروتن و رحیم مرادی، انتشارات روزبهان، ۱۳۵۹)، که بر مبنای تجارب و مشاهدات‌اش به‌عنوان پزشک در شهرها و روستاهای مصر نوشت، برای او شهرت و اعتبار جهانی پدید آوردند. اما سخن گفتن او از مطالب ممنوعه و تابوهای فرهنگی تحقیرکننده و تبعیض‌آمیز، بدن زنان و سکس، سعداوی را به دشمن خودی در کشورش تبدیل کرد. او در دوران ریاست‌جمهوری انور سادات زندانی شد؛ مورد خشم و تکفیر شیوخ‌اللازهر قرار گرفت؛ از سمت مدیریت بهداشت عمومی در وزارت بهداشت مصر برکنار شد؛ در دوران حسنی مبارک برای خاموش کردن صدایش از حضور او در رسانه‌های ملی جلوگیری شد؛ و از سوی اسلام‌گرایان بارها تهدید به مرگ و مجبور به فرار از کشورش شد.

جالب آن که سعداوی در حالی متهم به توهین به اسلام شد که در کتاب‌ها و سخنرانی‌هایش گاه تا حد افراط به کتاب آسمانی خود استناد می‌جست، و در زندگی‌نامه‌اش^۱ به تفصیل از سفر معنوی‌اش از تردید در عدالت الهی، در کودکی، به ایمان استوار در بزرگسالی سخن می‌گوید. او آنچه را اسارت زنان عرب می‌خواند مولود عرب بودن، مسلمان بودن یا شرقی بودن آنان نمی‌دانست و به فمینیست‌های غربی انتقاد داشت که تنها بر نمادهای سنت‌های ارتجاعی در جوامع آفریقایی و عرب، مانند مثله کردن اندام جنسی دختران، چندهمسری یا حجاب تکیه می‌کنند، اما به مسائل اقتصادی و سیاسی حاکم بر زندگی زنان در این جوامع توجهی ندارند و پیوند مبارزه علیه پدرسالاری و ستم جنسیتی با مبارزه علیه ستم طبقاتی را نمی‌بینند.

مضمون مکرر نوشته‌های تحلیلی سعداوی ارتباط تنگاتنگ شرایط اقتصادی و اجتماعی و نظام طبقاتی با بردگی و اسارت جنسیتی است. او باور داشت مذهب ابزاری در دست قدرت‌مندان و نهادی در خدمت طبقات حاکم برای ممانعت و بی‌اثر ساختن کوشش‌های روشنفکران و روشنگران در جوامع سنتی است. سعداوی برای ایجاد جنبش‌های بی‌بخش فراطبقاتی زنان تلاش می‌کرد. در این راه، «اتحادیه‌ی همبستگی زنان عرب» و «اتحادیه‌ی عربی حقوق بشر» را بنیان نهاد. او همواره به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۶ بعد از بازگشت به مصر، کاندیدای ریاست‌جمهوری شد، و در جنبش موسوم به بهار عربی نیز فعالانه شرکت کرد. سعداوی که به گفته‌ی خودش در دوران دانشجویی در دانشکده‌ی پزشکی در قاهره، تنها دختر در میان دانشجویانی بود که در تظاهرات علیه اشغالگران انگلیسی شرکت کرده و در آن سخنرانی می‌کرد، پیوسته انسانی شورشی ماند. در زندگی‌نامه‌اش ما صدای زنی را می‌شنویم که از باور داشتن «به کشوری که آزادی و احساس غرور را از او می‌گیرد؛ به همسری که برابری با او را نمی‌پذیرد؛ و به خدایی که او را تنها

¹ Haideh Moghissi, "A Daughter of Isis: The autobiography of Nawal Elsaadavi" in *Women's Studies International Forum*, Vol. 23(2), 2000.

نیمه‌انسان خلق کرده» سر باز زد. سعداوی از خشمی می‌نویسد که «از کودکی با دیدن تبعیضات موهن بین دختر و پسر، در ذهن او مانند خزه در دریا، ریشه دواند.» شگفتی از رازهای بدن زن که در کودکی ذهن او را به خود مشغول می‌داشت، مثله کردن اندام جنسی دختران، عادت ماهانه، مراسم شب زفاف و زایمان، در بزرگسالی برای او پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی شدند که رنج و لعنت زندگی زنان را رقم می‌زنند. خشم از زخمی که دایه‌اش در میان پای نوال شش‌ساله ایجاد کرد و هرگز شفا نیافت، به خشم از بی‌عدالتی، از فساد، از خرافات و از تاریک‌اندیشان تبدیل شد؛ این خشم تا به آخر با او ماند و در پراتیک سیاسی نوال السعداوی و خلق بیش از چهل رمان، مجموعه داستان، نمایش‌نامه و کتاب‌های پژوهشی انعکاس یافت. یاد نوال السعداوی گرامی است.